



۲۰۱۶/۰۵/۱۴

م. نسیم اسیر

ملک الشعراء افغان ها در غربت

## بشر امروز!!

در جوانی های ما، شعری به مطلع

این چه شوریست که در دور قمر می بینم  
همه آفاق پر از فتنه و شر می بینم

به نام حافظ شیرازی در بین عوام شهرت داشت.

من نیز از آن استقبال و شرایط محیط زندگی جامعه خود را در آن گنجانده بودم بعداً اهل تحقیق و تدقیق دریافتند که این شعر از شاعر دیگر و اشتهاً در دیوان "حافظ" آورده شده است. هرچه باشد، شعر گویایی است از احوال بشر و به اجازه تان سروده استقبالیه خود را با افزودن یک بیت به شرایط وطن تقدیم می کنم:



هرچه می بینم ازو «فتنه و شر» می بینم  
که جهان جمله، مواجه به خطر می بینم  
پای آرامش ازین صحنه بدر می بینم  
همه را تا به گلو غرق ضرر می بینم  
وضع امروز، ز دیروز بتر می بینم  
من ز وحدت، نه نشان و نه اثر می بینم  
دستگیری نکنند، هر چقدر می بینم  
گوشها را همه یک جا شده کر، می بینم  
همه را مست سفرسوی قمر می بینم

من که با چشم بصیرت به بشر می بینم  
ثابت اینست که سیاره نحسی زده سر  
شرق با غرب دگر دست مؤدت ندهد  
سودها می طلبد هر که ز گردون، اما  
مشکل اینست که آسان نشود رنج حیات  
نغمه «وحدت ملی» به وطن گشته بلند  
پسران از پدران، یا پدران از پسران  
دیده ها را همه در راه حقیقت شده کور  
به زمین دانه ای از مهر نیفشانده، مگر

آدم از علم کند مشق تباهی به جهان      چه عجب بیخبری ها که به خر می بینم  
سگ نفس من و تو باز نه ایستد ز تلاش      سگ مردم به فلک ها شده بر می بینم  
توزمن می طلبی قوت پرواز «اسیر»  
من به بازوی زهم ریخته پر، می بینم

م. نسیم «اسیر» ۲۲ جدی ۱۳۶۶ ش، کابل عزیز

